رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی
دورۀ ۸، شمارۀ ۲۹، تابستان ۱۳۹۹
ص ص : ۳۷– ۲۵

تدوین مدل ساختاری تفسیری توسعۀ ورزش همگانی مبتنی بر رویکردهای جهانی

حمید قاسمی – لقمان کشاورز[۲] – اردشیر براتی*[۳]

۱. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران ۲. استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۳. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت : ۲۸/ ۰۹ /۱۳۹۸ ، تاریخ تصویب : ۱۳ / ۰۲/ ۱۳۹۹)

چکیده

هدف این پژوهش تدوین مدل ساختاری تفسیری توسعۀ ورزش همگانی مبتنی بر رویکردهای جهانی بود. با توجه به ماهیت تحقیق، روش تحقیق از نوع آمیخته است. مرحلۀ کیفی پژوهش بر مبنای نظریۀ داده‌بنیاد و مرحلۀ کمی با استفاده از مدلسازی ساختاری تفسیری انجام گرفت. جامعۀ آماری شامل خبرگان این حوزه با سابقۀ شغلی بیش از ۱۰ سال بود و نمونه‌گیری به روش نمونه‌گیری هدفمند و با توجه به اشباع نظری انجام گرفت. در بخش کیفی با ۱۲ نفر از کارشناسان و خبرگان مصاحبه شد و از طریق نظریۀ داده‌بنیاد شاخص‌های توسعۀ ورزش همگانی شناسایی شد و سپس مدلسازی با استفاده از تحلیل ساختاری تفسیری انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد ۴۵ کد در قالب ۱۵ مفهوم و ۷ مقوله (شاخص) بر توسعۀ ورزش همگانی مؤثرند. همچنین، ماتریس ISM نشان داد که مدل ساختاری تفسیری توسعۀ ورزش همگانی با رویکرد جهانی متشکل از شش سطح به‌ترتیب شامل شاخص‌های محیط حقوقی، عوامل اقتصادی و زیرساختی، عوامل رسانه‌ای، عوامل مرتبط با سبک زندگی، عوامل اجتماعی و مشارکت در ورزش همگانی بود. بنابراین پیشنهاد می‌شود شاخص‌های شناسایی‌شده براساس مدل تحقیق مورد توجه مسئولان ورزش کشور قرار گیرد تا بتوان شاهد توسعۀ ورزش همگانی در کشور بود.

واژه‌های کلیدی

داده‌بنیاد، رویکردهای جهانی، مدل ساختاری تفسیری، ورزش همگانی.

* – نویسنده مسئول : تلفن : ۰۹۱۸۸۴۱۸۴۳۷
Email: barati_un@yahoo.com

مقدمه

ورزش، پدیده‌ای اجتماعی- فرهنگی است که پیوندی پویا با مجموعهٔ نهادها و ساختارهای اجتماعی دارد و باید به‌عنوان بخشی از نیازهای ساختاری انسان مورد توجه افراد جامعه باشد. یکی از علل مهم ترقی و توسعهٔ کشورهای پیشرفته، اهتمام ارکان این جوامع به اصل مهم ورزش و تعمیم آن در سطوح مختلف است (۱۰). ورزش، نیز مانند دیگر عرصه‌های اجتماعی برای ماندگاری باید همواره در رشد و توسعهٔ خویش بکوشد و ابعاد و زوایای خویش را بسط و گسترش دهد و تثبیت و تقویت کند (۱). ورزش همگانی[1] به مفهوم امروزی آن، محصول دههٔ ۶۰ میلادی است. در دههٔ ۶۰ میلادی، توجه به اوقات فراغت مردم و ورزش در قالب ساختارهای رسمی مورد توجه قرار گرفت و به‌تدریج جزء سیاست‌ها و اولویت‌های برنامه‌ای دولت‌های وقت شد (۷). ورزش همگانی به‌عنوان ابزار کم‌هزینه و مفرح و در عین حال مؤثر که قابلیت اجرای آن برای عموم از حیث ویژگی‌های فردی و اجتماعی وجود دارد، می‌تواند به‌عنوان بخشی از برنامهٔ زندگی روزانهٔ افراد سهم بسزایی در ارتقای سطح سلامتی جسمانی، روانی و اجتماعی آنها داشته باشد (۱۳). ورزش همگانی توسط کمیتهٔ پیشرفت ورزش شورای اروپا به‌عنوان یک عبارت و فراهم ساختن فرصت‌هایی برای افراد علاقه‌مند به ورزش کردن در زمان اوقات فراغت جهت مشارکت در فعالیت‌های ورزشی بدون هیچ‌گونه محدودیت ناشی از وضعیت اجتماعی، نژادی و معلولیت تعریف شده است. آنچه از این تعریف استنباط می‌شود این است که همهٔ افراد باید از ورزش کردن بهره‌مند شوند و ورزش حق همهٔ افراد است (۲۲). برخی دیگر از صاحب‌نظران، ورزش همگانی را ورزشی می‌دانند که به‌طور عمومی و در هر شرایط قابل اجراست و به تأسیسات و امکانات تخصصی خاصی نیاز ندارد و برای سلامتی و گذراندن اوقات فراغت به اجرا درمی‌آید (۷).

از زمان آغاز عملیات ورزش همگانی، اتحادیه‌های ورزشی، در جهت تحقق افزایش میزان مشارکت عمومی، تهیه و تقویت قوانینی برای شرکت در ورزش و تفریحات بدنی و بهبود کیفیت زندگی تلاش می‌کنند (۲۰). انگیزه‌های افراد برای شرکت در فعالیت بدنی بسیار متنوع است. برخی از عوامل انگیزشی مانند عوامل اجتماعی، محیطی و فرهنگی می‌توانند در تمایل فرد برای شرکت در فعالیت‌های بدنی و ورزشی اثرگذار باشند (۱۳). امروزه همگانی کردن ورزش‌های تفریحی به یکی از وظایف دولت‌ها تبدیل شده است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که دولت‌ها باید گسترش ورزش همگانی را سرلوحهٔ برنامه‌های درازمدت خود قرار دهند؛ در غیر این صورت باید در انتظار آمارهای نگران‌کنندهٔ بیماری‌ها، غیبت از کار در اثر بیماری‌های ناشی از کم‌تحرکی، افزایش مرگ‌ومیر و کاهش سطح بهداشت عمومی باشند (۱۸). بنابر اهمیت موضوع ورزش همگانی، در صورت نهادینه شدن ورزش همگانی می‌توانیم شاهد تغییرات سازنده و مشاهدهٔ منافع بی‌شمار آن بر روی ورزش کشور و سلامت روانی و جسمی افراد جامعه باشیم. از تأثیرات ورزش همگانی می‌توانکسب نشاط و احساس لذت، غنی‌سازی اوقات فراغت، کسب سلامتی و آمادگی جسمانی، بهبود روابط شغلی، پیوند و ارتباطات اجتماعی و شیوهٔ زندگی، پیشگیری و درمان بیماری‌ها، دستیابی به فواید و آثار ورزش، فرح‌بخشی و بی‌خطر بودن، تخلیهٔ انرژی و دفع سموم، مدیریت و کاهش وزن و برخورداری از تناسب اندام، برخورداری از عواطف اجتماعی، گسترش تعامل و روابط اجتماعی را برشمرد (۳).

با توجه به اهمیت موضوع، در خصوص توسعهٔ ورزش همگانی تحقیقات متعددی انجام گرفته است که به بررسی اجمالی برخی از آنها می‌پردازیم. عباسی بختیاری و

1. Sport for all

همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی دریافتند که موقعیت استراتژیک ورزش قهرمانی و همگانی دانشگاه آزاد اسلامی تهاجمی است و ازاین‌رو برای دستیابی به اهداف موردنظر استراتژی‌هایی شامل توسعه و ترویج تورهای ورزشی و گردشگری در سطوح ملی و استانی، توسعهٔ کمی و کیفی ورزش همگانی و مسابقات قهرمانی با هدف پوشش زنان، معلولان و افراد کم‌درآمد جامعه، توسعهٔ کمی و کیفی رویدادهای ورزشی متمرکز (در اغلب رشته‌های ورزشی) با حضور واحدهای مختلف دانشگاه آزاد اسلامی و تسهیل و ایجاد زمینهٔ مطلوب برای علاقه‌مندان به ورزش جهت تحصیل در دانشگاه‌ها به‌دلیل نگرش مثبت جامعه و خانواده‌ها به ورزش و حمایت مقامات دانشگاه را توصیه کردند (۱۴). کمیتهٔ ورزشی برنت[1](۲۰۱۶) نیز در برنامهٔ استراتژیک خود برای سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۶، استراتژی‌های توسعهٔ ورزش را شامل سازماندهی بازی‌های تابستانی و زمستانی برنت، ارتقای کیفی ورزش‌ها در این ناحیه، افزایش تبادل ورزشکاران، مربیان، مدیران و داوران ورزشی و ایجاد تفاهم فرهنگی و سعهٔ صدر بین ساکنان منطقه عنوان کرده‌اند (۱۶). کونگ و تیلور[2](۲۰۱۴) در پژوهش خود با عنوان «استفاده از امکانات ورزش همگانی به‌وسیلهٔ معلولان» به این نتیجه رسیدند که مشارکت معلولان در ورزش سهم اندکی از مشارکت در ورزش همگانی کشور انگلستان را در مراکز ورزشی آنها دارد. اما آنها اهمیت زیادی برای جامعه دارند و بیشتر و بهتر در دستور کار دولت هستند. همچنین، یافته‌ها نشان داد معلولان نسبت به افراد سالم علاقهٔ بیشتری برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی با حضور مربی دارند (۲۱). در همین زمینه، هامر[3]و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی نشان دادند که پرداختن به سطوح پایهٔ ورزش، با احساس مشارکت و انگیزهٔ عمل همراه است که این امر به توسعهٔ ورزش و افزایش سلامت اجتماع منجر می‌شود (۱۷). کانترز[4]و همکاران (۲۰۱۳) نیز به این نتیجه رسیدند که بیشتر دانش‌آموزان در ورزش‌های مدرسه شرکت می‌کنند، اما کودکان قشر کم‌درآمد و سیاه‌پوستان را دو گروهی که در عرض خطر بیشتری از عدم فعالیت بدنی و نتایج منفی آن قرار دارند، دانستند (۱۹).

حسامی (۱۳۹۸) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که توسعهٔ ورزش همگانی استان کردستان در گرو اجرایی کردن استراتژی‌های تدوین‌شده در موقعیت محافظه‌کارانه خواهد بود، چراکه برای استان کردستان ۸ نقطهٔ قوت، ۶ نقطهٔ ضعف، ۱۰ فرصت و ۸ تهدید وجود دارد و نتیجهٔ ماتریس‌های عوامل داخلی و خارجی، موقعیت استراتژیک ورزش همگانی استان را محافظه‌کارانه نشان داد. همچنین، در مدل ساختاری- تفسیری توسعهٔ ورزش همگانی استان پنج سطح متشکل از ۱۱ هدف استراتژیک وجود داشت (۴). نتایج پژوهش ملا جعفری و همکاران (۱۳۹۶) نیز نشان داد در برنامهٔ سوم، چهارم و پنجم توسعه، به‌ترتیب توسعهٔ ورزش روستایی، نقش رسانه‌ها در ورزش و تدوین چشم‌انداز و راهبرد در ورزش همگانی در افق ۱۴۰۴ برجسته بود. در مجموع، برنامه‌ها و اقدامات انجام‌گرفته، زمینه‌های ترویج و توسعهٔ ورزش همگانی را فراهم ساخته است. با این حال، جهت‌گیری‌ها، برنامه‌ها و اقدامات انجام‌گرفته به‌صورت مقطعی بوده است (۱۱). همچنین، براساس یافته‌های پژوهش شعبانی و خواجه (۱۳۹۶) سلامت جامعه، رسانه‌ها، فضاهای طبیعی، کم‌هزینه بودن، توسعهٔ هیأت‌های ورزش همگانی، اینترنت، دانش‌آموختگان رشتهٔ تربیت بدنی، تعالیم دینی و تأکید بر رایگان بودن ورزش به‌ترتیب از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر توسعهٔ ورزش

1. Barents Sport Committee
2. Kung and Taylor
3. Hamer
4. Kanters

همگانی کشور بودند (۸). سالاری اسکر (۱۳۹۴) به این نتیجه رسید که عواملی مانند مسائل مالی و ناآگاهی از فواید فعالیت بدنی مهم‌ترین چالش‌های مربوط به ورزش همگانی شهرستان کهنوج محسوب می‌شوند. در مقابل راهکارهای فرهنگی و اقتصادی نیز مهم‌ترین راهکارها در زمینهٔ پرداختن به ورزش همگانی مورد توجه بودند (۶). صفاری و همکاران (۱۳۹۴) تأکید کردند که مشارکت مردم در ورزش از زمینه‌های گسترده‌تر اثر می‌پذیرد. بر پایهٔ این مدل می‌توان فرایند ورزش همگانی ایران را تجزیه‌وتحلیل کرد و به‌نوعی دسته‌بندی جدید دست یافت (۹). نشان پژوهش منتظر حجت و منصوری (۱۳۹۴) نشان داد که سه دسته عوامل اقتصادی – اجتماعی، ویژگی‌های فردی و زیرساخت‌های فیزیکی و نهادی بر مشارکت در ورزش همگانی اثرگذارند (۱۲). رضوی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای چشم‌انداز ورزش همگانی شهر مشهد را به این صورت ترسیم کرد: «رسیدن به جامعه‌ای سالم، ورزشکار، بانشاط و امید به زندگی بهتر». بنابراین برای ایجاد شرایط لازم مشارکت مداوم در فعالیت‌های ورزشی، ورزش باید به صورت لذت‌بخشی در سنین پایین به افراد ارائه شود تا آنها بتوانند در آینده دوباره به آن تمایل پیدا کنند (۵). ارائهٔ ورزش به‌صورت لذت‌بخش به افراد سبب می‌شود که مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به‌صورت یک میل درونی درآید و مشارکت افراد در آن به‌طور مداوم ادامه یابد. ایجاد شرایط لازم برای شکل‌گیری تجارب لذت‌بخش و خوشایند در ورزش راهکاری مناسب برای افزایش سطح فعالیت‌های ورزشی در سنین پایین است که خود سبب تغییر نگرش افراد در خصوص ارزش تمرین و فعالیت بدنی و از همه مهم‌تر، کسب نتایج بلندمدت و سودمندتری مانند سلامتی برای افراد از طریق مشارکت مداوم در فعالیت‌های ورزشی در طول زندگی می‌شود (۲).

با این اوصاف، این پژوهش به‌دنبال محقق ساختن این امر است که از طریق فعالیت‌هایی که در زمینهٔ ورزش همگانی صورت خواهد گرفت، برنامه‌ریزی‌های مربوط به آن هدفمندتر و سودمندتر انجام گیرد. ازاین‌رو ضرورت پرداختن به این مقوله و ارائهٔ برنامه‌ای جامع و راهبردی برای ورزش همگانی بیش از پیش نمایان می‌شود. تا به امروز تحقیقات متعددی در زمینهٔ جنبه‌های مختلف ورزش همگانی انجام گرفته است که بخش‌های متنوع مربوط به آن را بررسی و تحلیل کرده‌اند. با این حال تحقیق جامعی که همهٔ عوامل دخیل در توسعهٔ ورزش همگانی را بررسی کرده باشد ،تاکنون صورت نگرفته است. لذا شایسته است با شناسایی شاخص‌های ورزش همگانی و عوامل دخیل در توسعهٔ آن، راهبردهای مناسبی برای توسعه و پیشرفت در عرصهٔ ورزش همگانی ارائه شود و روش‌هایی که از دیدگاه متخصصان و نیز نتایج تحقیق، بهترین هستند، معرفی شود تا با هدفمند و سودمند بودن فعالیت‌هایی که قرار است در این حوزه صورت گیرد، بتوان جامعه را از منافع ارزشمند ورزش همگانی بهره‌مند ساخت. ازاین‌رو تحقیق حاضر در تلاش است با استفاده از شیوه‌های علمی و براساس مدل ساختاری- تفسیری، مدل توسعهٔ ورزش همگانی را مبتنی بر رویکردهای جهانی ارائه کند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر روش‌شناسی، از نوع مطالعات آمیخته (کمی و کیفی) است. مرحلهٔ کیفی پژوهش بر مبنای طرح نظام‌مند نظریهٔ داده‌بنیاد[1] انجام گرفته است. رویکرد نظریهٔ داده‌بنیاد یک نوع روش پژوهش کیفی است که به‌طور استقرایی یک سلسله رویه‌های سیستماتیک را به‌کار می‌گیرد تا نظریه‌ای دربارهٔ پدیده مورد مطالعه ایجاد کند. براساس این روش، پژوهشگر برای تحلیل داده‌های

1. Grounded Theory Approach

کیفی گردآوری‌شده، به‌منظور تدوین نظریه باید سه مرحلهٔ کدگذاری باز، محوری و انتخابی یا گزینشی را پشت سر بگذارد و به عرصهٔ پارادایمی منطقی یا تصوری از یک نظریهٔ در حال تکوین بپردازد. در بخش کمی نیز با استفاده از مدلسازی ساختاری- تفسیری سطوح مدل و نحوهٔ ارتباطات میان شاخص‌های شناسایی‌شده ترسیم شد. جامعهٔ آماری تحقیق شامل خبرگان و متخصصان مدیریت ورزشی آشنا به موضوع پژوهش و مسئولان و مدیران ارشد و میانی سازمان‌های ورزشی (وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون‌های ورزشی، کمیتهٔ ملی المپیک و پارالمپیک، ورزش شهرداری، ورزش آموزش و پرورش) با سابقهٔ شغلی بیش از ۱۰ سال بودند. روش نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری پژوهش‌های کیفی بود و با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و شاخص اشباع نظری نسبت به نمونه‌گیری اقدام شد. به این منظور، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، چندین نفر از خبرگان شناسایی شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند و با توجه به مراحل و فرایندهای گفته‌شده، تعداد ۱۲ نفر از کارشناسان و خبرگان مورد مصاحبه‌های باز قرار گرفتند. اگرچه از مصاحبهٔ دهم داده‌های گردآوری‌شده به اشباع نظری رسیدند، به‌منظور اطمینان بیشتر مصاحبه‌ها تا نفر دوازدهم ادامه پیدا کردند. برای بررسی روایی در بخش کیفی، تکنیک دلفی سه‌مرحله‌ای به‌کار گرفته شد، بدین‌صورت که یافته‌های پژوهش برای مشارکت‌کنندگان ارائه و متن نظریه توسط آنها و طی سه مرحله مطالعه و نظرهای آنها اعمال شد. برای تأیید پایایی داده‌ها از روش بازآزمایی استفاده شد و نتایج نشان داد رابطهٔ درصد توافق درون موضوعی برابر است با ۰/۸۰ که مناسب است. پس از شناسایی عوامل مؤثر بر توسعهٔ ورزش همگانی کشور با رویکرد جهانی، عوامل شناسایی‌شده در جدولی ماتریسی به‌صورت پرسشنامه تنظیم و در اختیار نمونهٔ تحقیق قرار گرفت و از آنان درخواست شد براساس روش ISM پرسشنامه‌ها را تکمیل کنند. در ادامه برای تعیین روابط علی- معلولی شاخص‌ها، از روش مدلسازی ساختاری- تفسیری استفاده شد.

نتایج و یافته‌های تحقیق

به‌منظور ترسیم مدل ساختاری- تفسیری شاخص‌های توسعهٔ ورزش همگانی با رویکرد جهانی، لازم بود که ابتدا شاخص‌های مؤثر بر توسعهٔ ورزش همگانی با رویکرد جهانی شناسایی شوند. بدین‌منظور، براساس مراحل جدول ۱، ابتدا شاخص‌ها شناسایی و سپس اقدام به ترسیم مدل شد.

جدول ۱. روش شناسایی شاخص‌های توسعهٔ ورزش همگانی

مراحل		اقدامات
مرحلهٔ اول	**مصاحبه عمیق با نمونه تحقیق**	
مرحلهٔ دوم	**تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با استفاده از نظریه داده بنیاد به شرح این مراحل**	کدگذاری باز مصاحبه‌ها و شناسایی ۴۵ کد اولیه
		کدگذاری محوری و شناسایی ۱۵ مفهوم
		کدگذاری انتخابی و شناسایی ۶ مقوله عمده شامل عوامل مرتبط با سبک زندگی، محیط حقوقی، عوامل اجتماعی، مشارکت در ورزش همگانی، عوامل رسانه‌ای، عوامل اقتصادی و زیرساختی به‌عنوان شاخص‌های مؤثر بر توسعهٔ ورزش همگانی

پس از شناسایی شاخص‌های مرتبط با توسعهٔ ورزش همگانی کشور، جهت ترسیم مدل ساختاری- تفسیری عوامل توسعهٔ ورزش همگانی با رویکرد جهانی مراحل به شرح زیر انجام گرفت:

ابتدا به‌منظور تشکیل ماتریس تعامل ساختاری یک ماتریس شش در شش شامل شاخص‌ها تشکیل و در اختیار نمونه قرار داده شد. اعضای نمونه براساس اصول زیر ماتریس‌ها را تکمیل کردند و به ازای هر «j و i» ارتباط میان این دو متغیر در چارچوب بررسی زیر است:

- V: شاخص سطر i برای رسیدن به شاخص ستون j کمک می‌کند.
- A: شاخص ستون j برای رسیدن به شاخص سطر i کمک می‌کند.
- x: شاخص‌های ستون j و سطر i برای رسیدن به همدیگر کمک خواهند کرد.
- O: شاخص‌های ستون j و سطر i بدون ارتباط هستند.

نتیجهٔ ماتریس خودتعاملی[1] در جدول ۲ مشخص است.

جدول ۲. ماتریس خودتعاملی شاخص‌های شناسایی‌شده (SSIM)

ردیف	شاخص‌های توسعهٔ ورزش همگانی با رویکرد جهانی	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	عوامل مرتبط با سبک زندگی		O	X	V	A	O
۲	محیط حقوقی			O	X	V	V
۳	عوامل اجتماعی				V	A	A
۴	مشارکت در ورزش همگانی					A	A
۵	عوامل رسانه‌ای						A
۶	عوامل اقتصادی و زیرساختی						

برای دستیابی به ماتریس در دسترس‌پذیری اولیه باید نمادهای یادشده در جدول ۳ به صفر و یک تبدیل شوند. بدین‌منظور چنانچه i,j در ماتریس SSIM به‌صورت V باشد، بنابراین در ماتریس دستیابی (i,j) تبدیل به یک است و (j,i) تبدیل به صفر می‌شود. چنانچه (i,j) در ماتریس SSIM به‌صورت A باشد، در ماتریس دستیابی (i,j) به صفر و (j,i) به یک تبدیل می‌شود. چنانچه (j,i) به‌صورت x وارد شود، بنابراین (j,i) در ماتریس دستیابی به یک و j,i نیز تبدیل به یک می‌شود. چنانچه (i,j) به‌صورت O وارد شود، بنابراین i,j و j,i صفر می‌شود (جدول ۳).

جدول ۳. ماتریس اصلاح‌شدهٔ دسترس‌پذیری اولیه (RM)

ردیف	شاخص‌های توسعهٔ ورزش همگانی با رویکرد جهانی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	قدرت نفوذ
۱	عوامل مرتبط با سبک زندگی	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۳
۲	محیط حقوقی	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۴
۳	عوامل اجتماعی	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۳
۴	مشارکت در ورزش همگانی	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۲
۵	عوامل رسانه‌ای	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۴
۶	عوامل اقتصادی و زیرساختی	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۴
	میزان وابستگی	۳	۲	۴	۶	۳	۲	

1. Structural Self-Interaction Matrix

در جدول ۳، قدرت نفوذ و میزان وابستگی هریک از شاخص‌ها محاسبه شده است. برای نمونه، قدرت نفوذ «عوامل اقتصادی و زیرساختی» ۴ است؛ به این معنا که بر ۴ شاخص تأثیر می‌گذارد و میزان وابستگی آن ۲ است، یعنی ۲ شاخص بر ارتقای عوامل اقتصادی و زیرساختی تأثیر می‌گذارند. این اعداد در طبقه‌بندی شاخص‌ها استفاده می‌شوند، اما قبل از آن باید تحلیل میک مک انجام گیرد (شکل ۱).

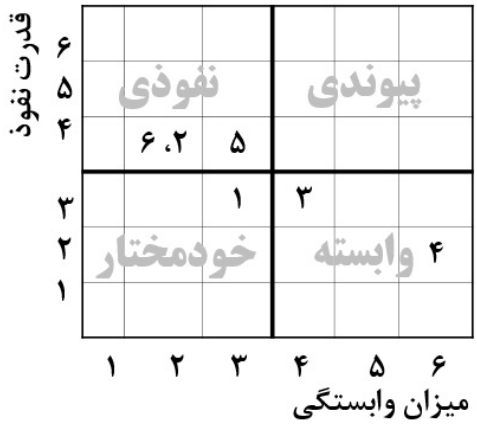

شکل ۱. نتیجهٔ تحلیل میک مک

شکل ۱ نتیجهٔ میزان وابستگی و قدرت نفوذ را برای هریک از شاخص‌ها نشان می‌دهد. بر این اساس شاخص‌های محیط حقوقی، عوامل رسانه‌ای و عوامل اقتصادی و زیرساختی در منطقهٔ نفوذی، شاخص عوامل مرتبط با سبک زندگی در منطقهٔ خودمختار (مستقل) و شاخص‌های عوامل اجتماعی و مشارکت در ورزش همگانی در منطقه وابسته‌اند. عوامل خودمختار شامل عواملی‌اند که قدرت نفوذ و وابستگی ضعیف و متوسط دارند. عوامل وابسته دارای قدرت نفوذ کم ولی وابستگی نسبتاً بالا هستند. این عوامل معمولاً متغیرهای نتیجه یا هدف هستند. عوامل پیوندی دارای قدرت هدایت زیاد و وابستگی زیاد هستند و عوامل نفوذی نیز دارای قدرت نفوذ زیاد ولی وابستگی کم می‌باشند (مالون[1]، ۲۰۱۴).

در مرحلهٔ بعد برای تعیین سطح شاخص‌ها و اولویت آنها، مجموعهٔ دستیابی و مجموعهٔ پیش‌نیاز برای هر عامل تعیین می‌شود. مجموعهٔ دستیابی هر شاخص شامل شاخص‌هایی می‌شود که از این شاخص تأثیر می‌پذیرند و مجموعهٔ پیش‌نیاز شامل شاخص‌هایی می‌شود که بر این شاخص تأثیرگذارند. این تأثیر و تأثرها با استفاده از ماتریس دستیابی به‌دست می‌آید. پس از تعیین مجموعهٔ دستیابی و پیش‌نیاز هر شاخص، عناصر مشترک این دو مجموعه برای هر شاخص تعیین می‌شود و در صورت یکسان بودن مجموعهٔ دستیابی با مجموعهٔ اشتراکات، آن شاخص‌ها به‌عنوان سطح بالا در نظر گرفته می‌شود (رازینی و همکاران، ۱۳۹۲). هرچه یک هدف اثرگذاری بیشتری بر سایر اهداف داشته باشد، در مدل ISM در سطح پایین‌تری قرار می‌گیرد، چراکه در مدل ISM اثرگذاری از پایین به بالاست. سطح به لایه‌های طراحی‌شده مدل نهایی اشاره دارد. برای به‌دست آوردن سایر سطوح، باید سطوح قبلی از ماتریس جدا شده و فرایند تکرار شود.

1. Malone

جدول ۴. تعیین سطح شاخص‌ها (سطح اول)

شاخص	مجموعهٔ دستیابی (خروجی)	مجموعهٔ پیش‌نیاز (ورودی)	مشترک	سطح
۱	۳ و ۴	۳ و ۵	۳	
۲	۴، ۵ و ۶	۴	۴	
۳	۴ و ۱	۱، ۵ و ۶	۱	
۴	۲	۱، ۲، ۳، ۵، ۶	۲	سطح اول
۵	۱، ۳ و ۴	۲ و ۶	-	
۶	۳، ۴ و ۵	۲	-	

براساس جدول ۴ شاخص‌هایی که مجموعهٔ دستیابی و مجموعهٔ مشترک آنها یکسان باشند، در سطح اول قرار می‌گیرند. ازاین‌رو شاخص ۴ در سطح اول و بالاترین سطح قرار می‌گیرد. حال برای تعیین شاخص‌های سطح دوم، شاخص ۴ از جدول ۵ حذف می‌شود و به همین منوال کار ادامه می‌یابد تا آخرین سطح مشخص شود (جدول ۵).

جدول ۵. تعیین سطوح دوم تا ششم شاخص‌ها

شاخص	مجموعهٔ دستیابی (خروجی)	مجموعهٔ پیش‌نیاز (ورودی)	مشترک	سطح
		سطح دوم		
۱	۳	۳ و ۵	۳	
۲	۵ و ۶	-	-	
۳	۱	۱، ۵ و ۶	۱	سطح دوم
۵	۱ و ۳	۲ و ۶	-	
۶	۳ و ۵	۲	-	
		سطح سوم		
۱	-	۵	-	سطح سوم
۲	۵ و ۶	-	-	
۵	۱	۲ و ۶	-	
۶	۵	۲	-	
		سطح چهارم		
۲	۵ و ۶	-	-	
۵	-	۲ و ۶	-	سطح چهارم
۶	۵	۲	-	
		سطح پنجم و ششم		
۲	۶	-	-	
۶	-	۲	-	سطح پنجم

براساس جدول ۵، تمامی سطوح مشخص‌شده و شاخص ۶ در سطح پنجم قرار می‌گیرد. بنابراین، تنها شاخص باقی‌مانده یعنی شاخص ۲ در سطح ششم قرار می‌گیرد. حال با توجه به جداول ۴ و ۵، مدل ساختاری- تفسیری شاخص‌های توسعهٔ ورزش همگانی با رویکرد جهانی به‌صورت شکل ۲ به‌دست می‌آید.

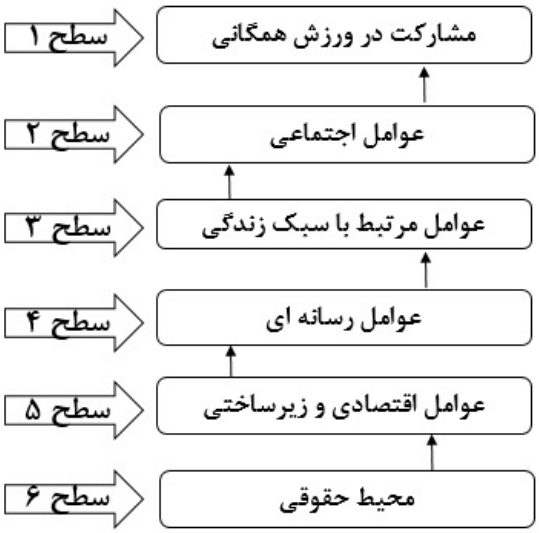

شکل ۲. مدل ساختاری- تفسیری شاخص‌های توسعهٔ ورزش همگانی با رویکرد جهانی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تدوین مدل ساختاری- تفسیری توسعهٔ ورزش همگانی مبتنی بر رویکردهای جهانی بود و با انجام تحقیق با روش علمی مربوط، یافته‌هایی به‌دست آمد که مورد بحث قرار می‌گیرد. یافته‌ها نشان داد هفت مقولهٔ اصلی بر توسعهٔ ورزش همگانی اثر دارد. این شاخص‌ها شامل عوامل مرتبط با سبک زندگی، محیط حقوقی، عوامل اجتماعی، مشارکت در ورزش همگانی، عوامل رسانه‌ای و عوامل اقتصادی و زیرساختی بود. همچنین، براساس مدل ساختاری- تفسیری، شاخص‌های شناسایی‌شده در شش سطح طبقه‌بندی شدند و نشان می‌دهد که سطوح پایین‌تر، بر روی سطوح بالاتر تأثیرگذاری بیشتری دارند. ازاین‌رو تفسیر یافته‌ها نیز براساس اهمیت و سطوح آنها از سطح شش به سطح یک مورد بحث قرار می‌گیرند.

اولین و شاید مهم‌ترین شاخص شناسایی‌شده در توسعهٔ ورزش همگانی را محیط حقوقی تشکیل می‌دهد. نتیجهٔ به‌دست‌آمده با نتایج تحقیقات هامر و همکاران (۲۰۱۴)، ملا جعفری و همکاران (۱۳۹۶) و شعبانی و خواجه (۱۳۹۶) مبنی بر نقش شرایط قانونی و رسمی بر توسعهٔ ورزش همگانی همسو بود. مطابق بررسی مبانی نظری و ادبیات این بخش، موضوع ورزش همگانی با اهداف مختلف مورد توجه دولت‌ها بوده و بسیاری از کشورها با هدف ارتقای سلامت جامعه، افزایش امید به زندگی و نشاط اجتماعی و همچنین افزایش بهره‌وری اقدام به برنامه‌ریزی در توسعهٔ ورزش همگانی کرده‌اند. در کشور ما نیز با وضع قوانین مختلف از جمله بند ۳ اصل ۳ قانون اساسی و مواد قانونی بند ۱۴-۳، ردیف ۱۳ از بند ۳، و مواد ۱۳، ۱۱۷ و ۱۶۹ در برنامه‌های اول تا پنجم توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، موضوع ورزش همگانی مورد تأکید قرار گرفته است (۱۱). موضوع ورزش همگانی یک مقولهٔ فرابخشی است و برای ارتقای شاخص‌های آن نیازمند همکاری‌های بین‌بخشی است. اینکه تصور شود سازمان خاصی متولی توسعهٔ ورزش همگانی است، صحیح نیست. تمامی دستگاه‌های اجرایی به‌نحوی موظف‌اند که در زمینهٔ سلامت کارکنان خود و خانواده‌های آنان اقداماتی را انجام دهند. وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و علوم، وزارت بهداشت و .... جمع کثیری از افراد جامعه را تحت پوشش قرار می‌دهند و به‌نوعی متولی سلامت جسمانی دانش‌آموزان و دانشجویان هستند. تا زمانی‌که دستگاه‌های اجرایی به این توافق نرسند که برای افزایش سطح فعالیت بدنی باید با هم همکاری

کنند، همچنان شاهد یک‌سری فعالیت‌های جزیره‌ای هستیم که هر دستگاه برای خودش کار می‌کند و نتیجه این اقدام‌ها به خروجی مورد انتظار جامعه منتهی نخواهد شد. از طرفی، حلقه گمشده ورزش همگانی ما همکاری‌های بین بخشی است. به عنوان مثال وزارت نیرو در یک محله دارای استخر است، ولی شهروندان همان محله نمی‌توانند با هزینهٔ مناسب از خدمات آن استخر استفاده کنند؛ حتی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی مختلف هم اماکن ورزشی خود را در اختیار کارمندان یکدیگر قرار نمی‌دهند و دلیل این اتفاق هم فقدان ارادهٔ همکاری بین دستگاه‌های اجرایی برای ارتقای سطح سلامت شهروندان از طریق ورزش است. حال با نگاهی اجمالی بر محیط حقوقی درمی‌یابیم که در صورت بهبود و ارتقای محیط حقوقی ورزش همگانی در کشور، شاهد تحول در سایر شاخص‌ها به ویژه عوامل اقتصادی و زیرساختی می‌شویم، چراکه با تصریح قانون اساسی بر نقش همگانی سازمان‌ها در توسعهٔ ورزش، می‌توان شاهد ارتقای بودجه‌های ورزشی و نیز بهبود زیرساخت‌های ورزشی در کشور بود.

شاخص دیگری که در سطح پنجم قرار گرفت، شاخص عوامل اقتصادی و زیرساختی بود. بر کسی پوشیده نیست که امروزه تمامی فعالیت‌های نوع بشر به‌نوعی به عوامل اقتصادی وابسته است. همچنین، در صورت نبود زیرساخت‌های هر پیشرفتی، نمی‌توان شاهد آن پیشرفت در جامعه بود. ورزش همگانی نیز از این قاعده مستثنا نیست و نیازمند صرف هزینه‌های مالی جهت اجرایی کردن برنامه‌های تدوین‌شده است که یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها را توسعه و ارتقای زیرساخت‌های ورزشی در جای‌جای کشور تشکیل می‌دهد. در این زمینه، نمی‌توان از اهمیت بخش خصوصی و نقش آنان در توسعهٔ ورزش کشور غافل بود، چراکه با جلب رضایت آنان می‌توان بخش عمده‌ای از بودجهٔ مورد نیاز را برای توسعهٔ زیرساخت‌های ورزشی کشور تأمین کرد. همچنین، با کمک رسانه‌های جمعی می‌توان نگرش مردم به فواید ورزش و اهمیت فعالیت‌های ورزشی برای سلامتی آنان را دچار تحول ساخت و آنان را به سمت ورزش و فعالیت بدنی سوق داد که این برنامه‌ها و همکاری‌ها نیز نیازمند منابع اقتصادی است، ازاین‌رو می‌توان گفت که پس از عوامل حقوقی، عوامل اقتصادی و زیرساختی بیش از سایر شاخص‌ها از اهمیت و تأثیرگذاری در توسعهٔ ورزش همگانی برخوردار است.

در سطح چهارم، شاخص عوامل رسانه‌ای قرار گرفت. اهمیت رسانه‌ها در ترویج و توسعهٔ ورزش در پژوهش جوادی‌پور و همکاران (۱۳۹۳) نیز نشان داده شده است. بر همگان پرواضح است که آگاهی بخشی به جامعه در راستای توسعه و ترویج ورزش برای همه جهت دستیابی به اهداف توسعهٔ ورزش از اهمیت بسیاری برخوردار است و در این خصوص، رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون و رادیو و همچنین شبکه‌های اجتماعی نقش بی‌بدیلی را در این مسیر بر عهده دارند. در حال حاضر، رسانهٔ مهمی مانند تلویزیون از توجه مناسبی برخوردار نیست و مسائلی چون تفکیک گروه سلامت از ورزش در سیما، نپرداختن در شبکهٔ سلامت به بعد پیشگیری و درمان ورزش و ... از جمله موانع بازدارنده در مسیر توسعهٔ فرهنگ ورزش همگانی از طریق تلویزیون هستند. در این زمینه الشامی[1] و همکاران (۲۰۱۲) به تأثیر رسانه‌های جمعی در ارتقای ورزش به‌منظور توسعهٔ سلامت عمومی اشاره داشتند و آن را ابزار بالقوه و اثرگذار در این زمینه دانستند (۱۵). بنابراین همان‌گونه‌که مشخص است، استفاده از ظرفیت رسانه‌های گروهی جهت ارتقای بعد سلامت، پیشگیری و درمان ورزش باید بیشتر و بهینه‌تر باشد و نزد مسئولان آنها باید این تفکر به‌وجود بیاید که وقتی شعار می‌دهیم پیشگیری بهتر از درمان است، چه راه

1. Alshami

پیشگیری بهتر از ورزش در عموم بیماری‌ها می‌تواند وجود داشته باشد، چراکه مسئلهٔ ورزش و سلامت در رابطهٔ تنگاتنگی با یکدیگر قرار دارند و به‌زعم کارشناسان نداشتن فعالیت بدنی احتمال خطر ابتلا به بسیاری از بیماری‌ها را بالا می‌برد. از طرفی این نوع نگاه به ورزش در رسانه می‌تواند به‌نوعی با مؤلفهٔ «هدف‌گذاری و تعیین مخاطب در ساخت برنامه» در ارتباط باشد. مخاطب‌سنجی قبل از برنامه‌سازی و ساختن برنامه براساس مخاطب هدف می‌تواند به تسهیل انتقال پیام کمک کند. بنابراین با تدوین و اجرای برنامه‌های صحیح در رسانه‌های جمعی می‌توان نگرش افراد جامعه به ورزش را تغییر داد و سبک زندگی آنان را به سمت سبک زندگی فعال با مشارکت حداکثری در ورزش و فعالیت‌های بدنی هدایت کرد.

در سطوح سوم و دوم توسعهٔ ورزش همگانی نیز عوامل مرتبط با سبک زندگی و عوامل اجتماعی قرار گرفت. نتیجهٔ به‌دست‌آمده با نتیجه تحقیقات شعبانی و خواجه (۱۳۹۶)، کونگ و تایلر (۲۰۱۴) و منتظر حجت و منصوری (۱۳۹۴) مبنی بر نقش شرایط فرهنگی، سبک زندگی افراد و عوامل اجتماعی همسو بود. امروزه و با ظهور تکنولوژی‌های نوین و تغییر و تحولات مرتبط با آن، تحولات عظیمی در سبک زندگی و کارکرد آنها ایجاد شده تا حدی که تحرک افراد را دچار اختلال کرده است؛ تحولاتی که منشأ بروز دگرگونی‌های عمیق و اساسی در سلامتی افراد از طریق فقر حرکتی شده است. سبک زندگی در عصر جدید و بروز بیماری‌های مختلف بر اثر کم‌تحرکی و نداشتن تغذیهٔ صحیح، اهمیت ورزش و تربیت بدنی را در سلامت جامعه نمایان کرده است. به همین دلیل سیاست‌های برنامه‌ریزی بیش از پیش به سمت ایجاد قابلیت‌های پیاده‌روی و ورزش سبک متوجه شده و در کشورهای گوناگون در سطوح مختلف برنامه‌ریزی کوشش شده تا حرکت در پیاده‌روها تسهیل و تشویق شود. حمایت‌های دولتی و شهرداری‌ها نیز در این مهم نقش بسزایی داشته‌اند. بنابراین، سبک زندگی شهری امروز به‌ویژه در کلان‌شهرهای کشور که در آن زندگی ماشینی شده، موجب فقر حرکتی و بیماری‌های مختلفی شده است که معضلات مهمی پیش روی جامعه قرار داده است. ازاین‌رو ضروری است از طریق تبلیغات و سایر کارکردهای رسانه‌ای، افزایش و بهبود عوامل اقتصادی و زیرساختی ورزشی و نیز تغییر و بهبود محیط قانونی ورزش، زمینهٔ مشارکت حداکثری اقشار مختلف جامعه در ورزش همگانی فراهم آید تا بتوان از این طریق، مزایای پرشمار ورزش را عاید جامعه ساخت.

در جمع‌بندی پایانی باید گفت با توجه به اهمیت وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان متولی اصلی توسعه و گسترش ورزش در کشور در کنار سایر وزارتخانه‌ها وظایف بسیار مهمی دارند. در این زمینه، از آنجا که ورزش همگانی از عوامل مؤثر بر سلامت افراد و جوامع است، لزوم توسعهٔ بیشتر آن احساس می‌شود. مقامات دولتی و ارگان‌های متولی نباید ورزش همگانی را هزینهٔ اضافی تلقی کنند، بلکه آن را سرمایه‌گذاری در جهت بهداشت فردی و عمومی و منافع اجتماعی که منابع اقتصادی را برای کشور فراهم می‌کند، بدانند. بنابراین باید با اصلاح محیط قانونی موجود، زمینهٔ بهبود و ارتقای عوامل اقتصادی و زیرساختی را برای توسعهٔ ورزش همگانی فراهم کنند و با استفاده از ظریف رسانه‌ها، نگرش مردم به ورزش و منافع آن را تحت تأثیر قرار دهند تا از این طریق با ارتقای سبک زندگی افراد جامعه بتوان سطح مشارکت ورزش در تمامی اقشار جامعه را ارتقا بخشید.

منابع و مآخذ

۱.احسانی، محمد؛ امیری، مجتبی؛ قره‌خانی، حسن. (۱۳۹۲). «طراحی و تدوین نظام جامع ورزش حرفه‌ای کشور». مطالعات مدیریت ورزشی (پژوهش در علوم ورزشی)، دورهٔ ۵، ش ۱۷، ص ۱۳۵-۱۲۵.

۲.پارسامهر، مهربان. (۱۳۹۰). «بررسی انگیزه‌های مرتبط با مشارکت مستمر در فعالیت‌های ورزشی در بین دانشجویان تربیت بدنی (مورد مطالعه: دانشجویان تربیت بدنی دانشگاه یزد)». پژوهشنامهٔ مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، دورهٔ ۷، ش ۱۳، ص ۱۰۶-۹۳.

۳.جوادی‌پور، محمد؛ قویدل سرکندی، مژده؛ سمیع‌نیا، مونا. (۱۳۹۲). «ارائهٔ چارچوب نظری و طراحی الگو برای توسعهٔ ورزش همگانی در ایران». مطالعات مدیریت ورزشی، ش ۲۱، ص ۱۴۸-۱۲۷.

۴.حسامی، لقمان. (۱۳۹۸). طراحی و تدوین الگوی اجرای برنامهٔ راهبردی توسعهٔ ورزش استان کردستان با رویکرد کارت امتیازی متوازن. رسالهٔ دکتری، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور.

۵.رضوی، سید محمدحسین؛ نیازی، سید محمد؛ برومند دولق، محمدرضا. (۱۳۹۳). «طراحی و تدوین راهبرد توسعهٔ ورزش همگانی شهر مشهد با استفاده از دیدگاه علمی». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، سال سوم، ش ۱ (۹ پیاپی)، ص ۶۰-۴۹

۶.سالاری اسکر، مختار. (۱۳۹۴). چالش‌ها و راهکارهای توسعهٔ ورزش همگانی در شهرستان کهنوج. دومین همایش ملی چالش‌ها و راهکارهای توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کهنوج.

۷.سمیع‌نیا، مونا؛ پیمانی زاد، حسین؛ جوادی‌پور، محمد. (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی راهبردی ورزش همگانی در ایران و ارائهٔ راهکارهای توسعه براساس مدل SWOT». مطالعات مدیریت ورزشی، ش ۲۰، ص ۲۳۸-۲۲۱.

۸.شعبانی، عباس؛ خواجه، فرزاد. (۱۳۹۶). «اولویت‌بندی عوامل اثرگذار بر توسعهٔ ورزش همگانی و قهرمانی کشور». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ش ۳۶، ص ۶۸-۵۷.

۹.صفاری، مرجان؛ احسانی، محمد؛ امیری، مجتبی. (۱۳۹۴). «تحلیلی بر ورزش همگانی ایران با کاربرد مدل‌یابی معادلات ساختاری». دوفصلنامهٔ پژوهش در مدیریت ورزشی و حرکات اصلاحی، سال پنجم (سیزده پیاپی)، ش ۹ (۲۵ پیاپی)، صص ۹۴-۸۳.

۱۰.فرجی، رسول؛ پورسلطانی، حسن. (۱۳۹۰). ارزیابی عملکرد ادارات کل تربیت بدنی استان‌های ایران براساس مدل EFQM». پژوهش در علوم ورزشی، ش ۹، ص ۱۹۲-۱۷۷.

۱۱.ملاجعفری، ابوالفضل؛ تجاری، فرشاد؛ اسمعیلی، محمدرضا. (۱۳۹۶). «توصیف و تحلیل سیر تحولات مدیریت ورزش همگانی (۱۳۵۷-۱۳۹۳) با تأکید بر برنامه‌های اول تا پنجم توسعه. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ش ۳۶، ص ۲۴-۹.

۱۲.منتظرحجت، امیرحسین؛ منصوری، بهزاد. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان اهواز در ورزش همگانی». فصلنامهٔ دانش انتظامی خوزستان، سال سوم، ش ۱۴، ص ۴۲-۱۳.

۱۳.مهدی‌زاده، رحیمه؛ اندام، رضا. (۱۳۹۳). «راهکارهای توسعهٔ ورزش همگانی در دانشگاه‌های ایران». مطالعات مدیریت ورزشی، دورهٔ ۶، ش ۲۲، ص ۳۸-۱۵.

14.Abbasi Bakhtiari, R., Farahani, A., Keshavarz, L. (2017). “Codification of Operational Program of Public Sport and Championship in Islamic Azad University based on SWOT-ANP Model”. International Journal of Medical Research & Health Sciences, 6(1): 21-31.

15.Alshami, A. Anazi, H. Shwqi, M. (2012). Sport Mass Media Influence onPromoting Sports in Order to Improve Public Health. Current Research Journal of Social Sciences 4(2), 153-158.

16.Barents Sport Committee (2016). “Barents Sports Strategic Plan 2016 – 2020”. Draft edition of October 9th 2016.

17.Hamer, M., Weiler, R., &Stamatakis, E. (2014). Watching sport on television, physical activity, and risk of obesity in older adults. BMC Public Health, 14(1), 1-4.

18.Holzweher, F. (2002). “Sport for all as a social chang and funess development”. Institute of sport science Vienna University. Austria.1-9

19.Kanters, M. A., Jason N, B., Michael B, E., Jonathan M, C., & Myron F, F. (2013). School Sport Participation under Two School Sport Policies: Comparisons by Race/Ethnicity, Gender, and Socioeconomic Status. Ann, Behave, med, 45, 113-121.

20.Keresztes N., Piko B., Pluhar, Zs., Page, R.M. (2008). Social influences of leisure time sports activity among early adolescents. Journal of the Royal Society for the Promotion of Health, 128(1), 21-25.

21.Kung, S. P., Taylor, Peter. (2014). “the use of public sports facilities by the disabled in England”. Sport Management Review. Contents lists available at Science Direct (17) 8–22

22.Zorba, E. (2012). The Perception of Sport for all in the World and in Turkey. The online Journal of Recreation and Sport, 1(4). 24-37.

Providing an Interpretive Structural Model for the Development of Sport for All Based on Global Approaches

Hamid Ghasemi[1] - Loghman Keshavarz[2] - Ardeshir Barati*[3]
1.Professor of Sport Management, Payame Noor University, Tehran, Iran 2. Associate Professor of Sport Management, Payame Noor University, Tehran, Iran 3. Ph.D. Student of Sport Management, Payame Noor University, Tehran, Iran
(Received: 2019/12/19;Accepted: 2020/05/02)

Abstract
The aim of this study was to develop an interpretive structural model for the development of sport for all based on global approaches. Due to the nature of the study, the mixed methodology was used. The qualitative phase of the study was based on the grounded theory and the quantitative phase was performed using interpretive structural modeling. The statistical population included experts in this field with more than 10 years of work experience and the sampling was performed by purposive sampling method and according to theoretical saturation. In the qualitative section, 12 experts were interviewed, and sport for all indicators were identified by the grounded theory and the modeling was performed using interpretive structural analysis. The results showed that 45 codes in the form of 15 concepts and 7 categories (indices) influenced the development of sport for all. Also, the ISM matrix showed that the interpretive structural model of sport for all development with a global approach consisted of six levels: legal environment, economic and infrastructure, media, lifestyle, social, and participation in sport for all. Therefore, it is suggested that the identified indicators based on the research model should receive the sport authorities' attention so that sport for all in Iran can be developed.

Keywords
Global approaches, grounded, interpretive structural model, sport for all.

* Corresponding Author: Email: barati_un@yahoo.com; Tel : +989188418437